

# نیازمند کار تئوریک

## درجهت تکامل جنبش هستیم

کیوان خسروی

بسیاری نمی خواهند سخنی از انقلاب ویا درباره انقلاب بشنوند. لنین بدنبال انگلس به سه شکل مبارزه طبقاتی پرولتاریا پافشاری می کند. او درکنار مبارزه سیاسی و اقتصادی به اهمیت تئوریک که به موفقیت آمیز بودن دوشکل نخستین آن وابسته است، تاکید می کند. انگلس می گوید که جنبش کارگری باید طبق برنامه در همه سه خطوط آن، هماهنگ و مرتبط با هم: در تئوریک سیاسی و به لحاظ عملی - اقتصادی مبارزه کند. اما هم آهنگی سه شکل مبارزه طبقاتی نه در وضع متوالی و هم نه در تابعیت و حرکت زنجیره ای و نه در ترتیب آن عبارت است. یعنی پشت سرهم و یا یکی پس از دیگری. پیوند درونی واقعی آنها منطق ساختمان سازمان های انقلابی را هم در برنامه و هم درمناسبات تاکتیکی بوجود می آورد و وحدت انقلابی تئوری و عمل را تامین می کند.

تاکید بر ضرورت و اهمیت کار تئوریک بدان معنی نیست که این مسئله درمقام اول دربرابر عمل قرار دارد. این بدان معنی نیست که دومی موکول به پایان اولی میشود. چنین تقسیم بندی خصیصه خاص سوسیالیسم اوتوپیک و یا آن سوسیالیست هایی است که از اطلاع دقیقی درباره اسلوب در علم اجتماعی برخوردار نیستند و ماتریالیسم را فرانگرفته اند. می توان گفت که شرایط کار تئوریک و عمل انقلابی بایکدیگر درهم می آمیزند و خود را دریک کار آنچنان که بطور دقیق کارل لیبکنخت سوسیال دمکرات آلمانی توصیف می کند» آموختن، تبلیغ کردن و سازماندهی» نشان می دهد.

درمیان نیروهای خارج کشور کم نیستند سازمان ها و گروه هایی که دیدی محدود درمسایل تئوریک، سیاسی و سازمانی دارند و درخرده کاری ها، پراکندگی ها و درتصادفی بودن ائتلاف ها، بسر می برند. گروه ها و سازمان هایی که با هرگونه حرکت گام به گام مخالفت می ورزند ودرهمان حال از حالت انقلابی بودن فاصله می گیرند، غافل از آنکه تبلیغات آتشین این گروه ها وسازمان ها درمیان جنبش خودانگیخته توده ها بازتاب نمی یابد و مورد پشتیبانی نیز قرار نمی گیرد.

چون این نیروهای به اصطلاح «پیشاهنگ» درگذشته، خود درعدم کارآیی تئوریک درمانده اند و هیچ گونه کمکی با سازکردن نغمه های گوناگون به تئوری های انحرافی درحال رایج در داخل کشور درمحافل روشنفکری ویا درمحافل دانشجویی نمی رسانند، که خود روزی بدان گرفتار بودند. با «لولوی مارکسیسم» به تنگ نظری ها درجنبش یاری می رسانند وبا تکرار و تقلید اصل واقعه تاریخی که خود روزی تراژیک بود، به کمدی مسخره ازکار درآمدن آن تلاش می ورزند.

این بی توجهی و سهل انگاری برخی نیروهای سیاسی جدی نسبت به جریان انحرافی درداخل، عدم اعتماد به تئوری انقلابی را باعث می شود که با تجربه و آزمون جنبش های انقلابی جهان عجین است.

با تولید این گونه کژاندیشی ها نباید از این سؤال آنها متعجب بود که چرا جنبش از پایین برنمی خیزد؟ زیرا ریشه های جنبش که بنیان آنرا تشکیل می دهد در عمق کندوکاو نمی شود.

باید این هنر را آموخت و توانایی آن را داشت که با شرایط تغییر یابنده دمساز شد و سازمان و یا گروه خود را نباید به حساب مبارزات خیابانی بنیاد نهاد و تبلیغات علیه دشمن را تنها بر پایه مبارزه روزمره استوار کرد. از میراث انقلابی انقلابیون گذشته که جمع بندی تجربه تاریخی احزاب طبقه کارگر و نیروهای انقلابی پیشرو است غفلت نکنیم .

بی تردید آزمون های بسیار دشوار در پیش روست. باید بتوان درجایگاه پیشاهنگ انقلابی با تئوری و عمل درست در برابر ارتجاع و ضد انقلاب سربلند و پیروز درآمد. ضد انقلاب آنجاست که اکنون حکومت آنجاست.

درک ساده انگارانه انقلابی گری خرده بورژوازی خطر مهلکی برای جنبش است که جنبش تاوان آن را در گذشته پرداخت کرده است.

نه تاریخ مسیر همواری را طی می کند و نه انقلاب. هم اراده گرایی ذهنی گرایانه وهم برخورد عینی گرایانه به مسئله انقلاب و روند آن زیان بار خواهد بود و به بی تحرکی سیاسی منجر خواهد شد. نباید به این شبهه دچار شد که چون قوانین عینی به سود ما عمل می کند، پس پیروزی از آن ما است.

تئوری انقلابی سودمندی خود را در روندهای عینی تکامل اجتماعی هنگامی بازتاب می دهد که با گرایشات اساسی تکامل تاریخی همسویی داشته باشد. عدم برخورد خلاق به تئوری منجر به بن بست عقیدتی خواهد شد.

راه توده ۱۵۷ ۱۹,۱۱,۲۰۰۷